



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۱۹

رفعت حسینی

سرزمین دهشت : خاکستان افغانستان

برخی حقایق، رخداد های واقعی نه تخیلی، در درازی تمامی سرگذشت و تاریخ خاکستان افغانستان، ترا وادارمی سازند که فریاد بزنی: درینجا، درین خاکزار، فقط دهشت و ابتدال و بی مروتی و بیگانگی با فرهنگ/مدنیت، زامدار بوده است:

یک.

عبدالله نایی نام یک پرچمی/خلقی است. او آن سان بیگانه با (شعور فرهنگی) بود، که در یک بیانیه سیاسی، درکابل، برای دلخوش ساختن مجاهدین اسلامی، یک لندغر ادبی، خلیل الله خلیلی را میهن پرست نامید.

خلیلی آنگونه وطن دوست و مردم گرا بود که شعر مداحی(ارتجاعی) می ساخت.

حتا:

این رذیل، خلیلی، شعری تیار نمود برای ضیالالحق زمام دار پاکستان و با ودر ان شعر استغاثه کرد که باافغانستان هجوم بیاورد.

پس از غرغره شدن نجیب، نایی به فرانسه گریخت. تابعیت فرانسوی را بدست آورد و کار رسمی را آغاز نمود. درعین زمان از « نرادی سیاسی!!!!!!» در افغانستان یک حزب سیاسی ساخت. چند وقت پستر نام حزب را به (حزب نوین مردم افغانستان) بدل کرد.

اگر مردان بزرگ سیاسی دنیا در خارج کشور شان حزب ساخته بودند، فرق بنیادی با حزب ساختن نایی دارد:

در جنگ دوم جهانی مارشال دوگل فرانسوی که در انگستان بود، در آنجا حزب مقاومت برضد هیتلر را سازمان داد. واین درج تاریخ اروپا ودنیاست. وستیزه های دوگل از عوامل سرنگونی هیتلریسم در جرمنی و اروپا شد.

نایی ها و جنرال علومی که در هالند با تابعیت هالندی در کابل حزب ساخته است ، برای بینوا

های افغانستان، چی کرده بودند واینک چی کرده اند؟؟؟؟؟؟

دوگل تابعیت انگلیس را (((گدایی !!!))) نکرده بود.

نایی در بیانیه خود تذکری نیز نداد که:

خلیلی کتاب ارتجاعی « عیاری از خراسان» را در ستایش بچه سقو مرتجع و رهزن و شعری در ستایش ضیالالحق نگاشته است.

دو.

پنجاه سال پیش، محمدشاه واصف باختری نام یک انقلابی(کمونیست/مائویست چینی) بود که شعر هم می ساخت.

واصف تاجیک تبار است وپارسی سخن می زند.

بر چاپ کابل عیاری از خراسان خلیلی، واصف باختری مقدمه بی نابخردانه نبشت.

و شرف ادبی و حیثیت هنری اشعاری را که روزگاری نبشته بود، در ژرفای تعفن زباله دان تاریخ انداخت و برشناس نامه اش واژه مرتجع را نگاشت.
باید یادآوری نمایم که بر نخستین دفتر شعر عبدالله نایی ، پرچمدار حزب خلق، در دهه شست خورشیدی، همچنان واصف باختری ، مقدمه نگاشته بود و دران مقدمه در آغاز نگاشته بود که « سوگند به گیسوی سپید شعر! »
واصف در کالیفورنیاست و این کارها ی محمدشاه، نتیجهء پنداشت های بازمانده از میراث نجس > خراسان بزرگ! < است. هورا خراسان بزرگ!!!!.

...